

## اثبات خدا از منظر علم و فلسفه

امام صهیب وب، کالیفرنیا، سانتا کلارا<sup>۱</sup>: «یکی از چیزهای بسیار بسیار جالب اسلام، و مسئله ای که موجب اسلام پذیری خود بنده به عنوان یکی از جوانان آمریکای شمالی شده است، تنها این نیست که اسلام افراد را تشویق به پذیرش وجود آفریدگار متعال می کند، بلکه ما را به سوی تفکر در مورد مخلوقاتش سوق می دهد؛ تفکر در مورد تنوع موجودات، رنگ و نگار آنها، زبان آنان، فرهنگ آنان و نیز تجلیل و تکریم قدرت این نیروی آسمانی از طرق مخلوقاتش.»

عایشه نواز<sup>۲</sup>، فاریخ التحصیل رشته تاریخ: از جمله حقایق بنیادی اسلام و یکی از مهم ترین عقاید آن، باور داشتن به وجود آفریدگار است. و یکی از راه های درک وجود و عظمت این آفریدگار، مطالعه و بررسی مخلوقاتش است. در قرآن کریم، آفریدگار متعال به مؤمنان و کافران چنین می گوید:

﴿ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ﴾

بی شک، در آفرینش [شگفت انگیز] آسمان ها و زمین و [نیز] در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای

خردمندان نشانه‌هایی است [از عظمت و قدرت الهی]. (آل عمران / ۱۹۰)

بسیاری از فیلسوفان متفکر باستان و و نیز فیلسوفان جدید، پس تعمق و ژرف نگری های فراوان، به حقیقت وجود « ذاتی متعالی»<sup>۳</sup> نائل آمدند که جهان هستی را خلعت وجود بخشیده است و همواره آن را در پناه خود دارد. ارسطو<sup>۴</sup>، یکی از فیلسوفان بزرگ باستان و شاگرد افلاطون<sup>۵</sup>، اینچنین به شرح این حقیقت می پردازد:

«پس، ما بر این باوریم که خداوند، ذاتی است زنده، پاینده، و رؤف و

مهربان. و لذا، وجود و بقای مطلق از آن اوست. این است خدای متعال.»<sup>۶</sup>

<sup>1</sup>. Imam Suhaib Webb, Santa Clara, California.

<sup>2</sup>. Ayesha Nawaz

<sup>3</sup>. Supreme Being

<sup>4</sup>. Aristotle

<sup>5</sup>. Plato

<sup>6</sup>. Aristotle, *Metaphysica* Lambda, XII.VII.9.

اگر آنان به اطراف خود نگاهی بیندازند، شاهد یک «طراحی هوشمندانه»<sup>۷</sup> در ذره ذره کاینات (حتی در وجود خودشان) خواهند بود؛ به عنوان مثال، چشم انسان: وقتی نور به چیزی برخورد می کند و روی به شبکیه چشم می افتد، به ناحیه در پس مغز بنام «مرکز بینایی»<sup>۸</sup> منتقل می شود. چه بسا، این ناحیه یکی از تاریک ترین قسمت های جسم انسان باشد، زیرا، کاملاً از نور محفوظ است و اصلاً نور به آنجا نمی رسد. ما تمامی تصاویری را که در طول زندگی خود می بینیم، در این بخش از بدن - یعنی مرکز بینایی- شکل می گیرد. ما تمامی این تصاویر روشن و واضح را به صورتی سه بُعدی و در این بخش از بدن مشاهده می نمایم. این درحالی است که هزاران هزار مهندس متخصص در کارخانه های ساخت تلویزیون قادر به تولید تصویری نیستند که از نظر وضوح، روشنی و شفافیت به پای تصویر چشم برسد. و اگر کسی ادعا کند تلویزیونی که در خانه داریم از طریق شانس و تصادف به وجود آمده و اجزای آن خودبخود گرد هم آمده است، هیچ کسی حرفش را باور نمی کند. منتها، هستند کسانی که بر این باورند «مرکز بینایی» از طریق صدقه و تصادف به وجود آمده است!! همین امر، برای قوه شنوایی، چشایی، عملکرد کلیه ها، عملکرد کبد و غیره و غیره نیز صدق می کند.

آفریدگار متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿ اَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ اَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ ﴾

آیا ایشان [خودبخود از نیستی سر بر آورده و] بدون هیچ گونه خالق آفریده شده اند یا اینکه [خود خویشان را آفریده و] خودشان آفریدگارند؟ (طور/۳۵)

«رئه دکارت»<sup>۹</sup>، از جمله فلاسفه مشهور فرانسه و یکی از تأثیرگذارترین متفکران عصر جدید، در وجود خدا شک داشت. او شک داشت از اینکه خدایی وجود دارد؛ و این شکاکیت او را به تفکر واداشت. سرانجام، فهمید که انسان وجود دارد، و اینکه او آفریده شده است؛ و از آنجایی که انسان خود خالق خودش نیست، در نتیجه، می باید کس دیگری او را آفریده باشد؛ و لذا، این آفریدگار همان منبع حیات است.

« آیا من می توانم خالق خودم باشم؟ یا آیا می توانم هم اینک حافظ و نگهدار خود باشم؟ اگر اینگونه باشد، پس ایده « ذات کامل» صرفاً چیزی است که ذهن آن را ساخته و پرداخته کرده است و بس. لذا، برای تحقق این امر، لازم است خودم خدا باشم؛ و از آنجایی که قطعاً چنین نیست، در نتیجه، فناپذیر [= خدا] قبل از فناپذیر [=خودم] وجود دارد.»<sup>۱۰</sup>

<sup>۷</sup> intelligent design : این همان چیزی است که از آن به برهان اتقان صنع، برهان نظم و نظام احسن نیز یاد می شود که از جمله مهم ترین براهین هستی شناختی است. خلاصه این برهان چنین است: جهان، نمایانگر نظمی هدفمند (طرح و تدبیر و انطباقی تام) است. بنابراین، لازم است پدیدآورنده آن، طراحی هوشمند و مدبری حکیم باشد.

<sup>۸</sup> center of vision

<sup>۹</sup> René Descartes

<sup>۱۰</sup> Descartes, R.: *Meditations*, 1, §1a.

«امانوئل کانت»<sup>۱۱</sup>، از جمله تأثیرگذارترین متفکران عصر جدید که به عنوان مهم ترین و آخرین فیلسوف «عصر روشنگری»<sup>۱۲</sup> قلمداد می شود، تحت تأثیر تنوع، گوناگونی و هماهنگی موجود در این جهان قرار گرفته است- چیزی که بر وجود آفریدگاری مقتدر و توانا مهر تصدیق می نهد:

«جهان کنونی چنان تنوع، نظم، تناسب و زیبایی و بی حد و حصری را بر ما عرضه می نماید ... که حتی با اندک دانشی که فراچنگ آورده ایم، زبان و اندیشه (با این همه شگفتی های حیرت انگیزشان) از بیان عظمت آن عاجز است.»<sup>۱۳</sup>

آفریدگار یکتا در پیامی دیگر، این چنین انسان ها را به تفکر در مورد نشانه های وجود آفریدگار در جهان هستی و نیز [شگفتی های] وجود خودشان فرامی خواند:

﴿ سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ﴾

به زودی نشانه های خود را در آفاق [= پهنای آسمان ها و زمین] و در [ساختمان] وجود خودشان به آنان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او [تعالی] حق است. (فصلت / ۵۳)

۱۲ سنگریزه را بگیرید، و آنها را از ۱ تا ۱۲ شماره گذاری کنید. سپس، آنها را در یک کیسه بگذارید، کیسه را تکان دهید و چشمانتان را هم ببندید. سپس، سنگریزه شماره ۱ را بیرون بیاورید. بعداً، آنها را یکی یکی بیرون بیاورید. آیا می دانید شانس و تصادف این کار [یعنی بیرون آوردن آنها به ترتیب از ۱ تا ۱۲] چقدر است؟ شما باید حدود  $\frac{479}{1000/1000}$  (چهارصد و هفتاد و نه میلیون) بار این کار را امتحان کنید تا همه آنها را به ترتیب بیرون بیاورید!!! بنابراین، حال که امکان بیرون آوردن ۱۲ سنگریزه به ترتیب [از طریق شانس] تا این اندازه غیرممکن است، چطور می توان به وجود آمدن کل جهان هستی از طریق شانس و تصادف را ممکن دانست؟! چگونه می توان تمام نظام ها و سیستم های جهان با تمام ظرافت، هماهنگی، تنوع و تعدد بی نهایتش را محصول شانس و تصادف دانست!؟

<sup>11</sup>. Immanuel Kant

<sup>12</sup>. Age of the Enlightenment

<sup>13</sup>. Kant, I. CRV, B649.

«فرد هویل»<sup>۱۴</sup>، ریاضیدان پرآوازه انگلیسی، غیرممکن بودن شکل گیری پیچیدگی های حیات بدون یک آفریدگار را چنین بیان می کند:

«امکان اینکه ظرافت و پیچیدگی های حیات از طریق تصادف پدید آمده باشد، مثل این است که گربادی با گذشتن از یک انبار اجناس اوراقی بتواند یک هواپیمای بونینگ ۷۴۷ را از مواد آن جا مونتاژ و سرهم کند.»<sup>۱۵</sup>

تمامی تلاش های تکامل گرایان در طول قرن بیستم در راستای بیان اصل حیات، به شکست انجامید.

«جفری بادا»<sup>۱۶</sup>، یکی از استادان زمین شیمی و یکی از هواداران اصلی نظریه تکامل، در ماه فوریه سال ۱۹۹۸ و در یکی از شماره های مجله «زمین» (یکی از فصلنامه های عمده موضوعات تکامل) به این حقیقت چنین اعتراف می کند:

« اکنون که داریم قرن بیستم را پشت سر می گذاریم، همچنان با بزرگ ترین مسئله حل ناشدنی ای روبه رو هستیم که با ورودمان به قرن بیستم با آن مواجه شدیم: چگونه حیات بر روی زمین شکل گرفت؟»<sup>۱۷</sup>

«لوئی پاستور»<sup>۱۸</sup>، زیست شناس نامی فرانسوی، پس از مطالعات طولانی و آزمایشات مکرر، بر بنیان و مبانی نظریه تکامل خط بطلان کشید:

«آیا ماده قادر است خود را سازماندهی کند؟ اصلاً! امروزه، تحت هیچ شرایطی نمی توان ادعا کرد که موجودات ذره بینی بدون اجدادی مشابه خودشان پا به عرصه وجود نهاده اند.»<sup>۱۹</sup>

## ﴿ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ يَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ ﴾

و اوست آن [خدایی] که آسمان ها و زمین را به حق [و از روی حکمت] آفریده است؛ و هرگاه [بخواهد چیزی را بیافریند، فقط] گوید: « باش! » پس [همان] می شود. ( انعام/۷۳ )

عزیزان! شما می توانید کلیپ مطالب فوق (با عنوان « اثبات خدا از منظر علم و فلسفه ») را در صفحه

فیسبوک ما مشاهده و دانلود نمایید:

[www.facebook.com/islamtruth20](http://www.facebook.com/islamtruth20)

<sup>14</sup>. Fred Hoyle

<sup>15</sup>. Fred Hoyle, Nature, 12 Nov., 1981.

<sup>16</sup>. Jeffrey Bada

<sup>17</sup>. Earth, February 1998.

<sup>18</sup>. Louis Pasteur

<sup>19</sup>. Louis Pasteur, Fox & Dose, Origin of Life, p. 4-5.